

◆ تشبیه

نشان دادن همانندی بین دو یا چند پدیده

ارکان تشبیه: مشبه، مشبه‌به، ادات تشبیه، وجه شبه

مثال بلم آرام چون قویی سبکبال / به نرمی بر سر کاروان همی رفت
 مشبه ادات تشبیه مشبه‌به وجه شبه

الف) بلیغ: حذف ادات تشبیه و وجه شبه

ب) بلیغ اسنادی: مشبه و مشبه‌به با کسره به هم اضافه نشده‌اند.

مثال علم، نور است

ج) بلیغ اضافی (اضافه‌ی تشبیه‌ی): مشبه و مشبه‌به با کسره به هم اضافه شده‌اند.

مثال نور علم

◆ استعاره

هرگاه واژه‌ای به دلیل شباهتی که با واژه‌های دیگر دارد به جای آن به کار رود، استعاره پدید می‌آید. به عبارت دیگر استعاره همان تشبیه است که از ارکان اصلی فقط یکی باقی مانده است.

الف) استعاره مصرحه: آوردن مشبه‌به

مثال با دیو ستیزه کن ☹ دیو : استعاره از جهل (جهل که هم چون دیو. .)

ب) استعاره مکنیه

۱- خطاب غیرانسان (تشخیص)

مثال ای دیو سپید پای در بند

۲- به کار رفتن مضاف در غیرمعنی حقیقی (اضافه‌ی استعاری)

مثال پای قلم، دست روزگار، روح آسمان (مضاف را از کسی عاریه گرفته‌ایم، در واقع می‌گوییم آسمان مثل انسان روح دارد)

۳- آوردن مشبه‌به و یکی از ویژگی‌های مشبه

مثال به صحرا شدم، عشق باریده بود ☹ عشق مانند باران می‌بارد

☹ هر تشخیصی، استعاره‌ی مکنیه است.

◆ تشخیص (جان‌بخشی به اشیا)

نسبت دادن عمل یا صفت یا حالتی انسانی به یک غیرانسان

مثال طعنه بر طوفان مزین، ایراد بر دریا مگیر بوسه بگرفتن ز ساحل موج را دیوانه کرد ☹ دیوانگی و بوسه گرفتن موج

◆ مجاز

به کار بردن واژه‌ای در غیرمعنی اصلی به شرطی که نشانه‌ای آن را به معنی غیراصلی راهنمایی کند.

☹ هر استعاره‌ای، مجاز نیز می‌باشد.

☹ گاهی اوقات رابطه‌ی جز به کل و یا کل به جز برقرار می‌باشد.

مثال سراسر همه دشت بریان شدند ☹ دشت مها از مردم دشت

مثال سرم را کوتاه کردم ☹ سر مها از موی سر

◆ **سجع**

یکسانی دو واژه در واج یا واج‌های پایانی، وزن و یا هر دو در پایان جمله‌های نثر
الف) سجع متوازی: اشتراک در واج‌های پایانی + اشتراک در وزن

مثال زاینده / پاینده

ب) سجع متوازن: اشتراک در وزن

مثال پاک / صاف

پ) سجع مطرف: اشتراک در واج‌های پایانی

مثال زر / زور

نکته سجع بیشتر در نثر به کار می‌رود، اما گاهی در شعر نیز کاربرد دارد.

مثال هنگام تنگ‌دستی در عیش کوش و مستی / کاین کیمیای هستی، قارون کند گدا را

◆ **جناس**

زمانی پدید می‌آید که کلمات دارای حروف مشترک و هم‌جنس در یک بیت یا نثر قرار گیرند.

الف) جناس تام: از نظر املا و تلفظ یکسان

مثال بیا و برگ سفر ساز و زاد ره برگیر / که عاقبت برود هر که از مادر زاد **زاده** توشه **زاده** ولادت

ب) جناس ناقص

۱- حرکتی: اختلاف در مصوت کوتاه

مثال گِل و گُل

۲- افزایشی: کلمه‌ی دیگر یک حرف بیشتر دارد

مثال کار و کارد

۳- اختلافی: اختلاف در یک حرف

مثال نماز و نیاز

۴- قلب: عوض شدن جای دو حرف

مثال نگاه و گناه

◆ **ترصیع**

تقابل سجع‌های متوازی در دو مصراع یا در دو جمله

مثال باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده

↓ ↓ ↓ ↓ ↓ ↓
 خوان نعمت بی‌دریغش همه جا کشیده

نکته اگر (تقریباً) همه‌ی کلمات با هم سجع متوازن داشتند، موازنه نامیده می‌شود.

مثال دل به امید روی او همدم جان نمی‌شود / جان به هوای کوی او خدمت تن نمی‌کند

◆ **تضمین**

آوردن عین آیه، حدیث، مصراع، بیت یا عبارت دیگران

مثال تضمین عبارت **هواجه عبدالله**

ماهضا: وصال او ز عمر جاودان به خداوندا مرا آن ده که آن به

شهریار: دعای خواجه خوش‌تر شهریارا خداوندا مرا آن ده که آن به

◆ تلمیح

اشاره به آیات، احادیث، داستان‌ها و وقایع تاریخی در ضمن شعر یا نوشته

مثال به تولای تو در آتش محنت چو خلیل / گوییا در چمن لاله و ریحان بودم

اشاره به داستان گلستان شدن آتش بر مضرت ابراهیم

◆ کنایه

عبارتی است که دارای دو معنی دور و نزدیک است و از نظر گوینده معنی دورش مورد نظر است.

مثال روی کسی سرخ نشد بی مدد لعل لب

(روی سرخ) پیروزی (روی زد) شرمندگی

◆ ایهام

به کار بردن واژه‌ای که دارای دو معنی است و هر دو معنی قابل برداشت باشد. معمولاً دریافت مقصود اصلی شاعر آسان نیست و همین موجب بازی با ذهن خواننده می‌شود.

مثال به خوابگاه عدم گر هزار سال بخسیم / به خواب عافیت آن‌گه به بوی تو باشم

پو: بوی فوش امیدوار بودن

◆ تضاد

به کار رفتن دو واژه با معنای متضاد

مثال هنر خوار شد، جادوی ارجمند / نهان راستی، آشکارا گزند

هنر، جادو، نهان، آشکار، هوار، ارجمند، راستی، گزند

◆ متناقض نما (پارادوکس)

نسبت دادن دو حالت یا دو ویژگی متضاد به یک پدیده

مثال دست مهربان مرگ / دولت فقر خدایا به من ارزانی دار

◆ اشتقاق

استفاده از واژه‌های هم‌ریشه

مثال عشق قهار است و من مقهور عشق / چون شکر شیرین شدم در شور عشق

◆ مراعات نظیر

استفاده از واژه‌های یک مجموعه که با هم تناسب دارند.

مثال بیستون بر سر راه است مباد از شیرین / خبری گفته و غمگین دل فرهاد کنید

◆ واج‌آرایی (نغمه‌ی حروف)

تکرار یک واج در کلمات یک مصراع یا بیت که کلام را آهنگین می‌کند

مثال بر او راست خم کرد و چپ کرد راست / خروش از خم چرخ چاچی بخاست

تکرار صامت‌های «غ» و «ه»

◆ تکرار

آوردن دو بار یا بیشتر یک کلمه

◆ تصدیق

واژه‌ای در آغاز و پایان بیت تکرار شود

مثال آدمی در عالم خاک نمی‌آید به دست عالمی دیگر نباید ساخت از نو آدمی

◆ لف و نشر

دو یا چند واژه در کنار هم در یک بخش کلام آورده شود و توضیح مربوط به آن‌ها در بخش دیگر

مثال چو فرزند و زن باشدم خون و مغز

زگفته اگر ترتیب رعایت نشود، لف و نشر مشوش است.

مثال در دهن لاله باد، ریخته و بیخته/بیخته مشک سیاه، ریخته در ثمین

۱

۲

۲

۱

◆ حس آمیزی

آمیختن دو یا چند حس

مثال قیافه‌ی بامزه ◌ بینایی و هشیایی / بوی تلخ ◌ بویایی و هشیایی

◆ اغراق

آوردن صفات غیرمعمول و محال و مناسب‌ترین اسباب برای تصویر دنیای حماسی و پرکاربر در آثار حماسی (مانند شاهنامه)

مثال خروش آمد از باره‌ی هر دو مرد/ تو گفتی بدرید دشت نبرد

◆ تمثیل

حکایاتی که نتیجه‌ی آن‌ها می‌تواند سرمشقی برای موارد مشابه باشد و به کمک آن (مثال) می‌توان مفاهیم را به روشنی منتقل کرد.

مثال مولانا برای بیان مطالب اخلاقی و عرفانی خود از تمثیل بسیار بهره گرفته است

◆ اسلوب معادله

هر مصراع در تاکید مصراع دیگر، موردی نظیر آن را ارائه می‌دهد. می‌توان جای دو مصراع را عوض کرد و بین آن‌ها

«مساوی/همان‌طور که/همچنان که/مانند و ...» قرار داد.

زگفته نباید در ابتدای مصراع دوم حرف ربط وابستگی یا شرط وجود داشته‌باشد.

زگفته همه‌ی اسلوب معادله‌ها تمثیل نیز هستند (برعکس آن درست نیست)

مثال عشق چو آید، برد هوش دل فرزانه را/دزد دانا می‌کشد اول چراغ خانه را

◆ حس تعلیل

آوردن دلیل غیرواقعی و شاعرانه اما دلپذیر و قانع‌کننده

مثال تا چشم بشر نبیندت روی/بنهفته به ابر چهر دل‌بند

◆ مثال‌های تکمیلی

مثال ۱ چه زخم نوای هر دم، ز نوای شوق او دم؟ که لسان‌غیب خوش‌تر بنوازد این نوا را

- ۱ جناس تام: دم: لفظ: دم: سفن
- ۲ جناس ناقص: ناز/نوا
- ۳ مجاز: دم: سفن
- ۴ واج‌آرایی: تکرار صامت «ن»
- ۵ کنایه: دم زدن: سفن گفتن
- ۶ تشبیه: شاعر مُود را به نی تشبیه کرده‌است
- ۷ تشخیص: سفن گفتن و دم زدن نی
- ۸ مراعات نظیر: نای/نوا

مثال ۲ قابیلیان بر قامت شب می‌تنیدند هابیلیان بوی قیامت می‌شنیدند

- ۱ جناس ناقص: هابیلیان قابلیان و قامت قیامت
- ۲ تضاد: هابیلیان/قابلیان
- ۳ تلمیح: زندگی مضرت آدم (ع)
- ۴ تشخیص: قامت شب
- ۵ استعاره: شب: دوران ستم و بیداد
- ۶ حسن آمیزی: بوی ... شنیدن
- ۷ کنایه: بر قامت شب می‌تنیدند: ستم می‌کردند
- ۸ واج‌آرایی: صامت «ق»

مثال ۳ گویند روی سرخ تو، سعدی که زرد کرد؟ اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم

- ۱ استعاره: مس: وجود بی‌ارزش و کمال نیافته: زر: وجود باارزش و کمال‌یافته
- ۲ تشبیه: عشق به اکسیر
- ۳ مراعات نظیر: سرخ، زرد / اکسیر، زر، مس
- ۴ جناس: (زر، زر)
- ۵ تضاد: زر، مس / سرخ، زرد
- ۶ کنایه: زرد کردن: بیمار کردن (در این‌جا عاشق کردن) / زر شدن: به کمال رسیدن
- ۷ لفظ و نشر: سرخ به مس و زرد به زر مربوط می‌شود
- ۸ حسن تعلیل
- ۹ ایهام تناسب: (۱) فلز روی که با زر و مس تناسب دارد (۲) صورت و چهره

اول چند تا سوال آسان تمرین کنید! (سوالات ۱ تا ۴)

در پرسش‌های زیر کدام آرایه‌ی ادبی وجود ندارد؟

- ۱- «خیمه‌ی انس مزین بر در این کهنه رباط / که اساسش همه بی‌موقع و بی‌بنیاد است»
 (۱) استعاره (۲) اغراق (۳) کنایه (۴) متناقض‌نما
- ۲- «ای هدهد صبا به سبا می‌فرستمت / بنگر که از کجا به کجا می‌فرستمت»
 (۱) تشبیه (۲) جناس (۳) تشخیص (۴) ایهام
- ۳- «فغان که کاسه‌ی زرین بی‌نیازی را / گرسنه‌چشمی ما کاسه‌ی گدایی می‌کرد»
 (۱) حسن تعلیل (۲) تضاد (۳) کنایه (۴) تشبیه
- ۴- «با ساریان بگوئید احوال آب چشمم / تا بر شتر نبندد محمل به روز باران»
 (۱) اغراق (۲) مراعات نظیر (۳) اسلوب معادله (۴) مجاز

بعد هم با نمونه‌های مطرح شده در کنکور سراسری آشنا شوید!

۵- در بیت زیر کدام آرایه وجود ندارد؟

- «رسید باد صبا غنچه در هوا داری / ز خود برون شد و بر تن درید پیراهن»
 (۱) تشخیص (۲) تلمیح (۳) کنایه (۴) استعاره

سراسری تجربی ۸۶

۶- در کدام بیت آرایه‌ی متناقض‌نما به کار رفته است؟

سراسری انسانی ۸۶

- (۱) کشته‌ی عشق وی از زنده‌ی جاوید به است درد کز وی رسدم، مایه‌ی درمان من است
 (۲) مُردم از فرقت جانان و عجب نیست از آنک / زنده بی‌جان نتوان بودن و او جان من است
 (۳) پای بند سر زلفین چون زنجیر تو شد / دل دیوانه و شم چون نه به فرمان من است
 (۴) گر شکرخنده‌ی آن پسته‌ی شیرین نبود / به چه معلوم توان کرد که او را دهن است
- ۷- در کدام بیت هر سه آرایه‌ی «جناس، تشبیه، پارادوکس» موجود است؟

سراسری انسانی ۸۷

- (۱) الف قدّ تو پیش همه مقبول افتاد / این نه حرفی است که بر وی قلم رد باشد
 (۲) شکسته‌رنگی من عشق را به رحم آورد / به زر هر آنچه برآید به زور نتوان کرد
 (۳) هر چه ز نیک و بد است چو همه در دست اوست / بر سر من مسکین چرا خط می‌کشد
 (۴) برگ من بی‌برگی است و بار، بار خاطر است / باد یا رب روزی برق بلا برگ و برم

سوال آخر علی‌رغم این‌که در ظاهر باید پنج تا آرایه (که همه پرکاربرد هستند!) را در چهار گزینه بررسی کنید، ولی سوال سختی نیست!

زبان ۸۶

۸- در کدام بیت همه‌ی آرایه‌های «استعاره، تشبیه، کنایه، تضاد و مراعات نظیر» یافت می‌شود؟

- (۱) آخر چو ره نیافت هلالی به بزم وصل / محروم از جمال تو در گوشه‌ای نشست
 (۲) ای رند جرعه‌نوش تو و محنت خمار / ما و نشاط مستی عشق از می است
 (۳) چون ابر دید اشک من از شرم آب شد / چون برق دید آه من از انفعال جست
 (۴) هر کس که دل به بتی داد هم‌چو من / سنگی گرفت و شیشه‌ی ناموس را شکست

◆ نکته‌های پایانی

که سعی کنید ابیات را با دقت بخوانید و تا حدودی هم به مفهوم و معنای آن توجه کنید. برخی از آرایه‌ها با توجه به مفهوم (و بعضی مواقع فقط با معنی و مفهوم!) مشخص می‌شوند

که برای تشبیه به «اضافه‌ی تشبیه‌ی» و برای استعاره به «اضافه‌ی استعاری» توجه ویژه داشته باشید

که تسلط به کنایه‌ها و استعاره‌های رایج و ایهام‌های مطرح شده در کتاب درسی نیز مفید است

که در برخی از سوالات می‌توان با انتخاب یک یا دو آرایه‌ی مناسب برای بررسی، به حذف گزینه‌ها پرداخت و سریع‌تر به جواب رسید. این آرایه‌ها ترجیحاً موارد پرکاربردی مثل تشبیه و استعاره نباشند. مثلاً در سوال ۵، تلمیح و کنایه ترجیح دارد. یا در سوال ۷، پارادوکس.

البته در سوال ۸ همه‌ی موارد تقریباً پرکاربرد هستند!

پاسخ‌های کلیدی

- ۱- (۲) ۲- (۴) ۳- (۱) ۴- (۳)
 ۲- (۲) ۳- (۱) ۴- (۷) ۵- (۴)